

## شنل قرمز

از بیس شنل قرمز و نویسنده آن و کوشش هنرمندان تآثر سعدی در زنده کردن آن تا اندازه ای سخن گفته شده و حال وقت آنستکه شکل کلی نمایش را بسنجیم . مناسبانه خود پس در اختیار ما نبود تا بتوان بهتر با آن آشنایی پیدا کرد و مطلوب نویسنده را دریافت ، بنا بر این از آنچه هنرمندان تآثر سعدی در مقابل ما گذاشته بودند صحبت می کنم .

پس فقط عامل و زمینه بی است که بایستی بکمال عوامل مؤثر دیگر ، روی آن با خطوطی مشخص و گویا شخصیت ها و هدف یا هدف های نویسنده را برجسته طراحی کرد .

جمع آوری و استفاده صحیح و مناسب از این عوامل از کارهای بسیار دقیق متورآسن است ، اوست که بایستی کم کند یا اضافه کند ، بهم بیا میزدنا مفهوم شخصیت ها و سن ها را برای مردم روشن کند . سخن کوتاه می کنیم و اول به میزانشهای پردازیم .

نکته ای که در این نمایش بیش از همه جلب توجه می کرد پراکندگی لوازم سن در تمام پرده ها بود . با وجودیکه روش استفاده از مرکز سن برای بازیکنان و قهرمانان مدتهاست ترك شده ، در این نمایش لوازم سن طوری چیده شده بود که وسط سن بطور محسوس بازمسانده بود ، و در چند میزانس مرکز آن ، برسم قدیم بهتر پیشه ای که بازی دست او است داده شده مثلادر پرده اول هنگامی که واگره در شنل قرمز خود را در دادگاه تصور میکرد و صحبت مینمود ، از روی اجبار مرکز سن را گرفته بود ، و یا هنگامی که موزون میخواست خطاب به « بونه را » و « واگره » صحبت کند و پاکت از جیبش افتاد ، بطور خیلی محسوس ، مخصوصاً وسط سن را گرفت تا هم با آنها صحبت کند و هم « لا بوزول » بتواند پاکت را ببیند و بردارد .

اینها تمام ناشی از باز بودن محسوس وسط سن بود که دست و پای متورآسن را بسته بود ، برای جلو گیری از شکاف زیاد بین دو چرخه ایکه بازیکنان در دو طرف تشکیل داده بودند ، این راه انتخاب شده بود .

گذشته از آن میزانسها اغلب با هم شبیه بودند ، بدون اینکه  
معنای آن دو سن یکی باشد .

در پرده اول « برتا » از در وارد می شود و یکر است سمت چپ سن  
می رود تا کلهائی را که در دست دارد در گلدان بگذارد و بعد در جلوسمت  
چپ روی نیمکت مینشیند . و اگر هم همینکه از در وارد می شود ، بدون  
اینکه حتی بز ن خود توجهی کند و رفتاری داشته باشد که اتمسفر یک  
زندگی خانوادگی را نشان دهد ، مثل کسیکه کلهای برای او ارزش  
زیادی دارد با نظر می رود و بعد هم روی همان نیمکت می نشیند که « برتا »  
چند دقیقه قبل نشسته است ، با این فرق که در وسط سن یک مکت چند ثانیه می  
می کند . تکرار این میزانسن ، بخصوص بلافاصله و پشت سر هم ، با فاصله می  
که این عمل بین آن پرسناژ و مادام را کرده ایجاد می کرد باعث میشد که  
بیننده برای اینکه بصحبتهای هر دو گوش داده باشد مرتب از یسکی  
پدیگری نگاه کند . بخصوص این فاصله هادر چند میزانسن تکرار شد  
و بالنتیجه این فکریش می آمد که اگر این فاصله وسط اینقدر  
غیر ضروری و غیر قابل استفاده است ، پس چرا آن را بر نداشته اند و سن  
را بر تیبی کوچک نکرده اند ؟ و اگر این عمل غلط است پس چرا از آن  
بندو صحیحی استفاده نشده است ؟

در پرده دوم هنگامی که « موزون » از « اچه بار » باز بررسی  
می کرد حرکات زیاد تکرار میشد و بیشتر بر یکنواختی صحنه میافزود ،  
و یادر پرده سوم ، سنی که « واکره » در حضور زنش با حس جاه طلبی  
شیطانی خود جدال می کرد ، و میخواست بین شرافت و انسان دوستی و  
مقام انتخابی بعمل آورد ، حرکات و میزانسن گویا نبود .

از نور استفاده چندانی نشده بود ، و مثل اینکه در هر چهار پرده  
زمان یکی بوده و سمت تابش نور هم یکی ، در صورتی که گذشته از  
تأثیر های دیگر که میتوان از این عامل گرفت ، از آن برای از بین بردن  
نور اصلی که قابل استفاده نیست و یا محلهایی که بایستی باری مؤثری  
در آنجا انجام گیرد بطور وسیعی میتوان استفاده کرد .

در باره کریم ها باید گفت که بدون عمق بود و سعی شده بود  
ظاهراً تغییر در قیافه باز یکنان داده شود ، در صورتی که سابقه کارهای  
کریمور مبتکر این تأثر را داریم ، انتظار نمیرفت که تا این حد بی دقتی  
از او دیده شود .



